

ملوین هنریکسن* (۱۹۲۷-۲۰۰۹)

احسان ممتحن

ملوین هنریکسن یا آن‌طور که در میان رفقاییش معروف بود، مل، ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد چهاردهم اکتبر ۲۰۰۹ در حالی که سه فرزندش در کنارش بودند، درگذشت. هشتاد و دو سال زیست و کارها کرد، مقاله‌ها نوشت و با همه وجودش این کارها را کرد. حتماً چندتایی اشتباه نیز در کارنامه‌اش هست. به یقین و به تأیید خبرگان نظریه حلقه‌های توابع پیوسته^۱، او یکی از برجسته‌ترین محققان این حوزه بوده است. فرض کنیم X فضایی کاملاً منظم باشد، آنگاه منظور از $C(X)$ مجموعه توابع پیوسته حقیقی - مقدار بر X است. $C(X)$ با دو عمل جمع و ضرب نقطه‌وار، به حلقه‌ای تعویض‌پذیر که فاقد عنصر یوچتوان است مبدل می‌شود، هرچند که تا چشم کار می‌کند مقسوم‌علیه صفر دارد. یکی از پرسش‌های بنیادی نظریه حلقه‌های توابع پیوسته، یافتن روابط میان خواص توبولوژیایی X از یک سو و خواص جبری حلقه $C(X)$ از سوی دیگر است. نهضت دوم مطالعه حلقه توابع پیوسته (اگر نهضت نخست را نمره پژوهش‌های اوریسون، تیتسه، چخ، تیخونوف و استون بدانیم) با مقاله معروف ادوین هیت^۲ [۱]، آغاز شد. اما آنان که واقعاً کار او را به سرانجامی نیکو رساندند، ریاضی‌دانان جوانی در دانشگاه پرُدو^۳ بودند: مل، لئونارد گیلمن^۴، میر جریسن^۵، شاگرد آن‌ها کوهل^۶ و سپس دیگر شاگردان آن‌ها. پس از سمیناری که در همان روزها به پیشنهاد مل برگزار شد، ماده اولیه کتابی در این باب را آماده دیدند. در آغاز، گیلمن، جریسن و مل به نوشتن کتاب کمر بستند اما بعد به دلایلی که مل از آن به‌عنوان یکی از اشتباهات بزرگ زندگی‌اش یاد می‌کرد، از ادامه همکاری در نوشتن کتاب دست کشید. با این حال، تا اتمام فرآیند تألیف کتاب، دو دوست و همکارش را از راهنمایی و همفکری بهره‌مند ساخت. شرح زیبایی از چگونگی شکل‌گیری این پژوهش‌های مشترک در حلقه‌های توابع پیوسته به همراه فهرست کاملی از ریاضی‌دانان مهم این حوزه، در [۲] آمده است. مقدمه کتاب منحصر به فرد «حلقه‌های توابع پیوسته» [۳]، دین گیلمن و جریسن را به مل نشان می‌دهد.

*) Melvin Henriksen 1) Rings of Continuous Functions 2) Edwin Hewitt
3) Purdue University 4) Leonard Gillman 5) Meyer Jerison 6) Kohl

از جمله کارهای ماندگار مل می‌توان به «قضیه نمایش هنریکسن - جانسون» [۴]، اشاره کرد که در آن به توصیف دقیق ساختار f - جبرهای به‌طور یکنواخت کامل می‌پردازند؛ همچنین است توصیف کامل هیأت‌های حقیقی - بسته که مل آن را به اتفاق اردیش و گیلمن در [۵] به انجام رسانیده است. اکنون هر سه نفر به ابدیت پیوسته‌اند، درست همان‌جا که سال‌هاست قضیه‌شان قرار گرفته است. من اولین بار، مل را همین اواخر در اهواز دیدم. پیرمردی کوتاه‌قد (کوتاهی و بلندی نسبی است، بلندی قامتش حدود ۱۶۵ سانتیمتر بود) با ریش یک‌دست سفید. شاید قدش به سبب پیری کوتاه‌تر شده بود. یادم هست که می‌گفتند او را در بخش ریاضی دانشگاه خودش به پاپانوئل تشبیه می‌کنند. همه از دیدن او درسی و پنجمین کنفرانس ریاضی کشور به هیجان آمده بودیم. معلوم بود که از جریان کنفرانس راضی است، همین‌طور از دستاوردهای پژوهشی خبرگان حلقه‌های توابع پیوسته در اهواز. گه‌گاه در میان بعضی از سخنرانی‌ها، به خوابی خوش فرو می‌رفت و بعد سر بزنگاه بیدار می‌شد. این پیرمرد به هیچ‌وجه پیر نشده بود. گذر زمان تنها توانسته بود جسمش را فرتوت کند اما ذهن و روحش نه خسته بود نه ملول. با این‌که سال‌ها از بازنشستگی‌اش می‌گذشت از آموختن بازنایستاده بود. یک بار همین اواخر کتابی به او معرفی کردم که آن را در کتابخانه کالج هاروی مد نیافته بود. بعد برایش نوشت به شهر دیگری سفر کرده و کتاب را به دست آورده است. او چنین آدمی بود، آن هم در هشتاد سالگی. مرا سخت به یاد «سانتیاگو» قهرمان پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی می‌انداخت. به گمانم تجسم سانتیاگو بود هم از نظر سخت‌کوشی هم از نظر فروتنی. اصلاً خودش را به چیزی نمی‌گرفت. دوست عزیزی که به سفارش دکتر کرمرزاده در تهران میزبان او بود نقل می‌کرد که روزی او را به سلمانی برده و برای آرایشگر توضیح داده بود که این پیرمرد ریاضی‌دان بزرگی است، بعد که مل فهمیده بود چه درباره‌اش گفته است، با ناباوری خندیده بود. رفتارش با من یک لاقبا هم نشانگر فروتنی‌اش بود. به هر حال با معیار «کمی» ما، او کسی بود که صد مقاله داشت و من؟ آنچه اصلاً بدان نمی‌اندیشید. سلطان کجا عیش نهان با رند بازاری کند؟

بارها تلاش کردم تا به او حالی کنم که در کشور ما چیزی به نام ISI وجود دارد و این معیاری «جهانی» است و خیلی مهم. هرگز به گوشش نخورده بود. فکر می‌کنم تا آخر هم نفهمید که این معیار خیلی «مهم» چیست. گفت از فلانی و بهمانی هم (اسم چند ریاضی‌دان بزرگ را آورد) پرسیده‌ام آن‌ها هم چیزی در این باره نشنیده‌اند. شاید هم فکر کرد این «آی اس آی» را از خودم در آورده‌ام. این چیزها برای او جزء توهمات بود. حتی مجبور شدم اسرار بیشتری را برایش فاش کنم. این‌که اگر مقاله‌ای دارای چند مؤلف باشد، به نفر اول امتیاز بیشتری تعلق می‌گیرد تا به نفر بعد و بعدتر. بنابراین آنان که نامشان با «الف» آغاز می‌شود یا حتی «ب»، محققین خوش‌اقبال هستند. این توضیحات را که اصلاً متوجه نشد. با پی‌جویی، می‌خواست بداند که فلسفه این کار چیست. برایش توضیح دادم که برای دانشیار شدن یا استاد شدن، هر نفر به مقداری (حدود ۱۱۰) امتیاز نیاز دارد. هر مقاله در بهترین حالت، هفت امتیاز دارد و اگر دارای چند مؤلف باشد، این امتیاز باید به شیوه‌ای خاص بین آن‌ها به صورت حلوی نذری تقسیم شود. دیگر پیرمرد به کلی گیج شده بود. این را از سوالاتش می‌فهمیدم. خدا را شکر که موضوع بحث خود به خود تغییر کرد.

بسیاری از مقالات او به بعد از بازنشستگی اش باز می‌گردد. کاش این را من هم بفهمم. خیلی صریح‌الوجه بود و سخت‌گیر. تعارف نداشت. از هرچه خوشش نمی‌آمد یا درست نمی‌دانست، رک و راست انتقاد می‌کرد.

در پایان نامه‌های اینترنتی اش می‌نوشته: 'Once you retire, there are no more vacations' همه زندگی او تفسیر همین گفته بود. خواننده مشتاق، فهرست کاملی از آثار ملوین هنریکسن را در [۶] خواهد یافت. همه این آثار به صورت فایل PDF قابل استحصال هستند.

بنا به روایتی، پس از مرگ، ارواح بر همه چیز آگاه خواهند شد چرا که تمامی پرده‌ها از برابر چشمانشان کنار خواهد رفت و بنا به روایتی دیگر، ارواح پس از مرگ همچنان به آموختن ادامه خواهند داد. حداقل در مورد مل دوست دارم روایت دوم درست باشد. او را تصور می‌کنم که در آن دنیا هم از این کتابخانه به آن کتابخانه سرک می‌کشد بی آن‌که عطش او برای دانستن کم شود. آنجا اقبال بیشتری برای دیدن بهشت افلاطون دارد.

مراجع

- [1] E. Hewitt, "Rings of continuous functions: I", *Trans. Amer. Math. Soc.*, **64** (1948), 54-99.
- [2] Melvin Henriksen, *Rings of continuous functions in the 1950s*, Handbook of the history of Topology, Vol. 1, 243-253, Kluwer Acad. Pub., Dordrecht, 1997.
- [3] L. Gillman and Meyer Jerison, *Rings of Continuous Functions*, Springer-Verlag, D. Van Nostrand Pub. Co., New York, 1960.
- [4] M. Henriksen and D. G. Johnson, "On the structure of a class of archimedean lattice-ordered f-algebras", *Fund. Math.*, **50** (1961/62), 73-94.
- [5] P. Erdős, L. Gillman and M. Henriksen, "An isomorphism theorem for real closed fields", *Ann. Math.*, **61** (1955), no 2, 542-554.
- [6] <http://www.math.hmc.edu/henriksen/vita/>

احسان ممتحن

گروه ریاضی، دانشگاه یاسوج

momtahan_e@hotmail.com